



تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۶ اذان مغرب ۱۸:۱۳ اذان صبح فردا ۴:۲۲ طلوع آفتاب ۵:۵۶

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۰ و ۸۸۸۰۰۷۱۹ نامبر: ۸۸۸۰۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ امور مشترکین: ۲۲- ۸۸۸۱۴۲۳ توزیع شرکت پیام‌سان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ چاپ گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲ www.sharhdaily.ir

شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۰ و ۸۸۸۰۰۷۱۹ نامبر: ۸۸۸۰۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ امور مشترکین: ۲۲- ۸۸۸۱۴۲۳ توزیع شرکت پیام‌سان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ چاپ گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲ www.sharhdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۶ اذان مغرب ۱۸:۱۳ اذان صبح فردا ۴:۲۲ طلوع آفتاب ۵:۵۶

تولدی دیگر

در زادروز صدای جاودان گیلان «فریدون پوررضا»

اسطوره موسیقی نواحی ایران



ناصر وحدتی

برای پاسداری از موسیقی محلی اگر که خواننده باشی، به‌جز داشتن صدای فاخر، فقط عشق به مردم آن ناحیه است که پایبندت می‌کند وگرنه جنبه مالی موضوع آنقدر کم‌مقدار است که هیچ حساب و کتابی نمی‌توان برای آن قایل شد. استاد «فریدون پوررضا» یکی از جان‌نشانان این عرصه در موسیقی گیلان بود. «پوررضا» در سال ۱۳۱۱ در لشت‌نشا متولد شد و شاید ۱۰ساله بود که آوازه صدای خوش و قلمتان او به گوش

«به‌کیش» استاد تعزیه‌ی لشت‌نشا رسید. در مکتب «به‌کیش»، «پوررضا»ی نوجوان موافق‌خوان تعزیه شد و درست در سن ۲۸سالگی و به سال ۱۳۳۹ یعنی پس از چهارسال از شکل‌گیری «رادیو گیلان» ترجیح‌داد به آنجا‌برود تا صدایش را نه فقط تماشاگران تعزیه به لشت‌نشا، که همه مردم گیلان گوش کنند. «پوررضا» تا بهمن ۱۳۵۷ حدود ۴۰۰ ترانه برای مردم گیلان خواند اما از آن زمان به بعد به بهانه‌های بی‌مورد

مدار صفر درجه

تئوری پیچ آخر



آرش عباسی

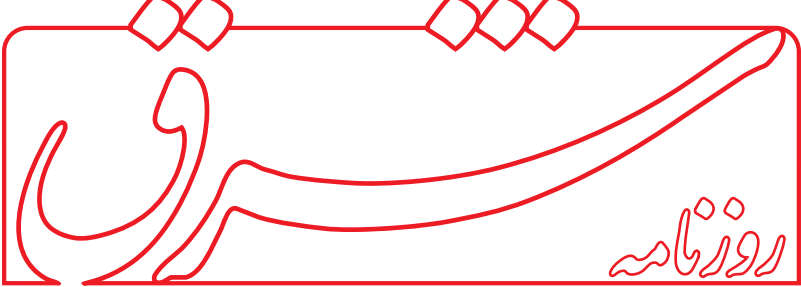
روزهای اولی که زندگی خراج از ایران را تجربه می‌کردم با اشتیاق در یکی از کلاس‌های زبان ثبت‌نام کردم و روز مقرر آماده رفتن شدم‌ اما صبح همان روز فهمیدم رانندگان اتوبوس‌های شهری اعصاب کرده‌اند و در ایتالیا چنین روزهایی یعنی تعطیل شدن زندگی. قصد کردم مسیر طولانی خانه تا مدرسه را پیاده بروم. برای اطمینان دو ساعت قبل‌تر از زمان مقرر حرکت کردم. اما چون شهر را نمی‌شناختم بعد از ساعت‌ها سرگردانی بدون اینکه مدرسه را پیدا کرده باشم به خانه برگشتم. روز بعد اعصاب تمام شد. اتوبوس گرفتم و همان مسیر را رفتم. با عبور از هر خیابان چیزی از روز قبل یادم می‌آمد. اول اتوبوس از چهارراهی گذشت که دیروز مدتی را سرگردان مانده بودم کدام راهش را باید بروم. از پشت شیشه مغازه‌هایی را می‌دیدم که روز گذشته سعی کرده بودم از آنها مسیر درست را ببرسم و آنها چیزی نفهمیده بودند. بعد‌دکه روزنامه‌فروشی را دیدم که بالاخره با بدبختی توانسته بودم به صاحبش بفهمانم کج‌ارای می‌خواهم پیدا کنم. کمی جلوتر، اتوبوس از همان دوراهی گذشت که من راه اشتباهش را رفته بودم و نیم ساعت بعد مغازه‌داری با کمک موبایلش و از روی نقشه فهمیده بود اشتباه آمدم‌ و اگر نبود نمی‌دانم آن نیم‌ساعت تا چقدر بعدتر کش می‌آمد. همینطور توی اتوبوس راه‌رفته بودم. با این حال این تنها بهانه‌ای بود که همه پیچ‌های آخری را که در زندگی ندیده بودم به یاد

بیاورم. همه راههایی که با اشتیاق شروع کرده بودم و در لحظات آخر، درست زمانی که چیزی تا انتهایشان فاصله نداشتم به‌خاطر خستگی برگشته بودم. تمام آن جاهایی که نباید خسته می‌شدم و خسته شده بودم را به خاطر آوردم. همین‌ها بود که اجازه نمی‌داد خوشحال باشم با اینکه به هدفم رسیده بودم. در این یک‌سال هروقت جایی احساس می‌کنم کاری نمی‌شود یا از توانم خارج است، یاد آن پیچ آخر می‌افتم. هرچا فکر می‌کنم کاری را باید نیمه‌کاره رها کنم، چند قدم بیشتر برمی‌دارم. بیشتر تحمل می‌کنم و در اوج خستگی، فکر می‌کنم که می‌توانم زود است برای این خستگی. راستش دلم نمی‌خواهد دوباره حسرت آن ۶۰ ثانیه یا ۶۰ ثانیه‌ها را تجربه کنم. شاید اگر این تئوری پیچ آخر در این یک‌سال با من نبود در مسیر دیگری از زندگی حرکت می‌کردم؛ مسیری که شک ندارم سال‌ها بعد حسرتش را می‌خوردم که می‌توانستم وارد این مسیر نشوم اگر کمی دیرتر خسته شده بودم.

رویداد

«برف تا کمر در تاریکی نشسته» منتشر شد

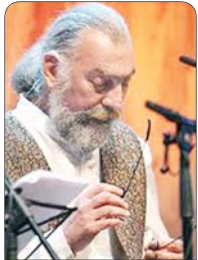
شرق: حسن همایون از چاپ مجموعه شعر «برف تا کمر در تاریکی نشسته» خبر داد. این شاعر گفت: مجموعه شعر «برف تا کمر در تاریکی نشسته» به تازگی از سوی نشر مروارید چاپ شده است؛ کتاب «برف تا کمر در تاریکی نشسته» که در دو بخش تدوین شده است، دربرگیرنده شعرهای



پنجشنبه ۶ مهر ۱۳۹۲ ۲۰ ذی‌القعدة ۱۴۳۴ ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۴۲ ۱۶صفحه

علیرضا قربانی «شب» را به یاد مشکاتیان خواند

ایستاد: علیرضا قربانی (خواننده کلاسیک ایرانی) قطعه‌ای را با عنوان «شب» به‌یاد زنده‌یاد پرویز مشکاتیان خواند. آهنگساز اثر درباره آن گفته: این قطعه روی شعری از سهراب سپهری ساخته شده و بهار امسال ضبط شده است. این قطعه به‌نوعی با حال و هوای زندگی خدوم و افرادی که در اجتماع هستند، ارتباط پیدا می‌کند. این قطعه ۱۰ دقیقه و ۳۰ ثانیه است و یاسر قانونی کارگردانی آن را برعهده داشته است.



آکادمی

تماشای «جادوی شب» در برج میلاد

● گروه علم: آثار عکاسی «مرتضی مرادلی» و نقاشی‌های «آوین حمیدی» از ستارگان و پدیده‌های آسمان در شب، با نام «جادوی شب» در گالری هنری سازه رأس برج میلاد تهران از ۱۴ تا ۲۸ شهریور برپا شده‌بود که به دلیل استقبال تماشاگران، تمدید شد و تا دهم مهر ادامه دارد. «مرتضی مرادلی» دربارهٔ این نمایشگاه می‌گوید: «از تلفیق اجرام اعماق آسمان و مناظر زیبا، بکر و سمبلیک زمینی، ترکیبی به وجود آورده‌ایم تا بتوانیم آنچه را که در آسمان‌ها با چشم نادیدنی است، به تصویر درآوریم و در کنار عکس‌های نجومی، زیبایی‌های زمینی و اجرام اعماق آسمان شب را که از چشم ما پنهان مانده است، به تصویر بکشیم و سبکی نوین از نقاشی نجومی را بدید آوریم. این سبک ترکیبی از سبک‌های رئال و مدرن است که برای اولین‌بار در ایران به نمایش درآمده است.»مرتضی مرادلی، (متولد ۱۳۵۷) تحصیلات خود را در رشته معماری به پایان رساند و عکاسی را در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران فراگرفت. علاقه او به نجوم از سال ۱۳۸۷ شروع شد که پس از آشنایی با شاخه‌های مختلف نجوم و رصد آسمان، به سمت عکاسی نجومی گرایش پیدا کرد. وی عکاسی نجومی را از سال ۱۳۸۹ شروع کرد. او برای یافتن مکان‌های بکر و طبیعت‌های منحصر به فرد ایران، از ساری در شمال تا جزایر قشم و کیش در جنوب سفر کرد. نمایشگاه «جادوی شب» حاصل بخشی از این سفرهای نجومی است. این نمایشگاه تا دهم مهر از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۰ شب در سازه بالایی برج میلاد برپاست.

داستان کوچک

روز استقلال

بیل روبرتسون، مترجم: هادی عظیمی

● آن‌ا افتاد روی صندلی و زد زیر گریه. فشار و مشکلات این چند روز آخر، بالاخره طاقش را طاق کرده بود. در این چند روز بایستی یا می‌نشست و گریه می‌کرد یا رو به دیوار جیغ می‌کشید. ماموران پلیس همین نیم‌ساعت پیش رفتند. آن دو نفر کارآگاه، که از روایت آن‌ا حادتهٔ راضی بودند، دفترچه‌های کوچکشان را با عجله بسته و در جیبشان گذاشته بودند. حتی کارآگاه جوان‌تر یک لحظه نقاب حرفه‌ای خود را کمی برداشته بود تا همدردی خودش را با آن‌ا در مورد این ضایعه ابراز کند.

با خودش کنار آمده بود که مرگ جیمز یک شوک تمام‌عیار بوده، چه حادثه ترازنیکی – پایش را روی یکی از ماشین‌های اسباب‌بازی آلن گذاشت، با سر روی پله‌ها رفت و به‌شدت جلوی پله‌ها افتاد. نتیجه گزارش آسیب‌شناسی حادثه این بود که گردن جیمز به احتمال زیاد بر اثر ضربه در دم شکسته بود. پلیس‌ها رفته بودند و لیوان‌های نصفه چای و کافه‌های خالی بیسکویت را جا گذاشته بودند. آن‌ا روی صندلی دسته‌دارش نشسته بود و با صدای بلند گریه می‌کرد. هیچ‌کس به‌جز او در خانه نبود– یچه‌ها خانه مادرش بودند؛ آلن کوچولوی بیچاره از فکر اینکه اسباب‌بازی او مسوول این تراژدی بود، غصه می‌خورد. هیچ‌وقت نباید حقیقت را بداند. حالا دیگر آن‌ا برای او گریه می‌کرد و همین‌طور برای کریستین کوچولو و بیشتر از همه برای خودش و ۱۰ سالگی از زندگی‌اش که با ششور تازه متوش و مزخرفش هدر داده بود. حالا باید مراسم تدفین را ترتیب می‌داد و دست‌کم در آن لحظه، دیگر نمی‌توانست تشخیص دهد شاد است یا غمگین.

مخبرالدوله

راپسودی بختیاری منتشر شد

● **شرق:** آلبوم موسیقی «راپسودی بختیاری» تازه‌ترین اثر «ایمان سلطانی» توسط انتشارات انجمن موسیقی منتشر شد. این آلبوم بر مبنای یک تم محلی به نام «شیرعلی مردون» و بر اساس سازبندی سازهای ارکستر سمفونیک، گروه کر و سازهای ایرانی همچون کرنا، دهل، کامنچه، تار، عود، نی و تمبک ساخته شده است.

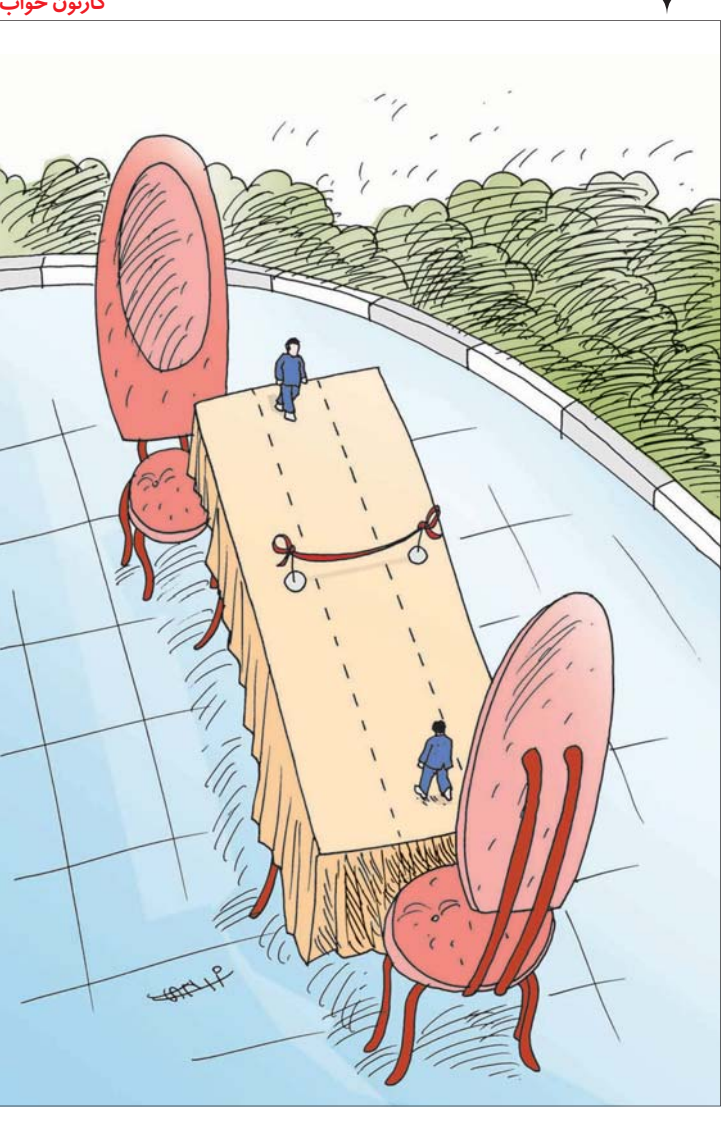
نمایشگاه کتب هنر در خانه هنرمندان

● **مهر:** مدیرعامل خانه هنرمندان ایران از برگزاری نمایشگاه کتب تخصصی هنر در خانه هنرمندان ایران خبر داد. مجید سرسنگی گفت: این نمایشگاه با عنوان «هفته کتاب‌های هنری» تا هشتم مهر در نگارخانه‌های استاد نامی، بهار و تابستان خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. مشاور

هنری شهردار تهران با اشاره به فراخوان حضور ناشران هنری برای شرکت در این نمایشگاه، از حضور بیش از ۱۰ انتشارات معتبر هنری در نمایشگاه کتب تخصصی هنر خبر داد و افزود: انتشارات فرهنگستان هنر، میراث فرهنگی، آبان، حرفه هنرمند، پیکره، ماهریز، بهتون، انجمن شاعران ایران، انجمن خوشنویسان ایران، انجمن مجسمه سازان ایران و… از جمله ناشرانی هستند که برای حضور در «هفته کتاب‌های هنری» خانه هنرمندان ایران اعلام آمادگی کرده‌اند.



کیوان زرگریkeyvanzargari@yahoo.com



یادمان

۱۱۷ سال پس از تولد «اسکات فیتس جرالده»، خالق رمان «گتسیی بزرگ»

با «رویا» چه کنیم؟



سعید برآبادی

ما صاحب روایایمان نیستیم، مگر آنکه آن روایی درباره خود ما باشد. روایای رفتن به دانشگاه، روایای سفر، روایای نویسنده‌شدن، روایای مشهورترین فوت‌بالیست جهان شدن، همگی قابل تحقق هستند چراکه ما آنها را در درون خودمان ساخته‌ایم، در خلوتمان صدایشان کرده‌ایم، شکلشان داده‌ایم و گذاشته‌ایم چون بذری، در خاک و جودمان رشد کنند و درختره به تمنان و شاید سرنوشتمان، سر بسایند! اما اگر خواهان تحقق رواییی باشیم که



بیرون از ما و وابسته دیگران باشد، وضع خراب می‌شود؛ به بیچارگی کشیده می‌شویم و دست آخر، شاهدی می‌شویم بر مرگ رویایمان. در حالی که آماده بودیم آن رویا را در آغوش بکشیم! در کتاب «گتسیی بزرگ» که تازگی‌ها دوباره فیلمی هم از آن با بازی دی کابریو ساخته شده، همین «عدم دستیابی به رویاهایی که فرد بیرون از خود تحمیل می‌کند»،

دستمایه دومین رمان بزرگ قرن بیستم شده. گتسیی سال‌ها مجاهدت می‌کند تا به زنی برسد که پنج سال پیش به علت بی‌پولی او، همسر مرد پولداری شده اما در نهایت، لحظه‌ای چشم باز می‌کند و درمی‌یابد، اگرچه در تمام ثانیه‌های آن پنج‌سال، برای تحقق این روایای دو نفره زحمت کشیده، حالا دیگر از آن رویا چیزی جز هجو تمسخربرانگیز «واقعیت» باقی نمانده؛ در آخرین دقیقه‌ها، زن، همسر قانونی‌اش را به معشوقه سال‌ها پیشش ترجیح می‌دهد و برای قرار

به گتسیی زنگ نمی‌زند.

اما تلفن گتسیی، در دقیقه‌های آخر عمر او زنگ می‌خورد تا نشان دهد گتسیی آنقدر محتاج این رویا بوده که بدون آن رویا، زندگی برایش بی‌معنی است. دایره‌ای و پایان باز نوشته شدند. این اثر در ۱۲۴ صفحه، در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه به قیمت ۶۰۰تومان چاپ شده و در این هفته به پیشخوان کتابفروشی‌هایی‌آید.

بوی ماه مهر

در رنگ آخر مهر



پوران فرخ‌زاد

● **به یاد آن اول مهرها که زندگی را مهربان می‌دیدیم!**

زنگ پای مهربان مهر که می‌تراود در گوش پرنده غمین قاف بال‌های غربت را گشوده و سفر می‌کند در طنین طلایی آن آوای مکرر به مدرسه‌ای دور پشت دیوارهایی سپید و سرد که دخترکی ترسان از پشت میزی ملول به آموزگاری می‌نگرد که خنده‌های‌اش تصویر خنده‌های مادری است که هرگز نمی‌خندد! پرنده که سبز شده بال‌های‌اش پرپر می‌زند جبر فقرافیای سیاه تخته جایی که نخستین حروف الفبا شلیک‌می‌کنند به ساری جوان تا پرواز کند از درختی که بازمی‌گردد به آن پیوسته بابا را که نان می‌دهد مهربان ندیده هرگز اما خانه‌اش نزدیک است به خرابه‌های ری که بیچاره‌ها که بدبیار‌ها می‌کلوند با انگشت‌های خسته خاک زیر پا‌ها را ولی هیچ‌گاه نمی‌یابند سکه‌های جست‌وجو را حتی در اعماق آن!

پرندهای پُرآن روی بوته‌های نارس الفبا آینده‌ای را می‌آزمایند که تند می‌گذرد تا گذشته شود و آموزگار صبور روبه‌روی کاسه‌اش می‌سرد می‌شود. مهربانه‌لیخند می‌زند زنگ اول که تمام می‌شود پرند در بارش برقی که یک‌ریز می‌بارد از پیشانی آفتاب بازمی‌گردد به قاف غربت تاباری دیگر بیوشاند شاهه‌ای خسته‌اش را با شالی خاکستری و دخترکی که پیر شده است در طنین زنگ‌های طلایی مهر می‌پوشاند گیسوان سپیدش را زیر چارقد سیاه خاطرات و به گریه می‌آید سخت افق برفا آگین است در زنگ آخر مهر!..

مهرماه ۸۲

خط خبر

«میرصادقی» در «از شب‌های داستان»

● **شرق:** در شب ششم از سلسله‌شبه‌های داستان خوانی در برج میلاد تهران، داستان‌هایی با مضامین متنوع از سوی نویسندگان خوانده می‌شود. در این برنامه که جمعه پنجم مهر در مرکز همایش‌های برج میلاد برگزار می‌شود، مجید قیصری، یکی از نویسندگان شناخته‌شده ادبیات دفاع مقدس برای مخاطبان داستان می‌خواند. همچنین محمدعلی علومی، نویسنده رمان‌های آذربستان، شاهنشاه در کوچه دلگشا، در این شب داستان‌خوانی خواهد داشت. علومی برنده دو دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی نیز هست. سعید فیروزآبادی، مترجم ادبیات آلمانی، علاوه بر خوانش یکی از داستان‌های مربوط به دوران جنگ جهانی دوم، درباره ادبیات پس از جنگ آلمان صحبت خواهد کرد. جمال میرصادقی، از نویسندگان سابقه کشورمان هم‌مهمان شب ششم شبه‌های داستان است. او نویسنده «شب چراغ»، «یادها خبر از تغییر فصل می‌دهند»، «آتش از آتش»، «اضطراب لبراهیم»، «زندگی را به آواز بخوان»، «ختری با ریسمان نقره‌ای» و «اندکان گرگ» است و داستان‌نویسان جوان بسیاری را به جامعه ادبی معرفی کرده است. همچنین فرزند اسماعیل فصیح برای خواندن داستانی از پدرش به برنامه دعوت شده است. اسماعیل فصیح سال ۱۳۸۸ از دنیا رفت. شب‌های داستان عنوان برنامه‌ای است که برج میلاد تهران از ۳۱ شهریور تا ششم‌مهر (هم‌زمان با هفته دفاع مقدس) هر روز از ساعت ۱۸ تا در مرکز همایش‌ها برگزار می‌کند.